

صلاحیت قانون محل وقوع شیء تعارض قوانین

از زمان قدیم قوانین مربوط باسوال از نوع قوانین عینی بوده و درون مرزی محسوب می‌شدند. اسوال طبق قاعده « Lex rei sitae » تابع قانون محل وقوع خود بودند این مسئله یکی از موارد نادری است که در تمام ادوار تاریخی نسبت بان اتفاق نظر بوده است. طبق تبصره ۲ ماده ۳ قانون مدنی فرانسه اسوال غیر منقول حتی اسوال غیرمنقول متعلق باتباع خارجه واقعه در فرانسه تابع قانون فرانسه میباشند. و طبق مادتهین ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی ایران اسوال غیر منقول واقعه در ایران تابع ایران است. بنابراین طبق قوانین ایران و فرانسه اسوال غیر منقول تحت رژیم درون مرزی بوده و تابع قانون محل وقوع خود میباشند. حتی قاعده « Mobilia squantur personam » که بموجب آن اشیاء منقول تابع قانون محل اقامتگاه مالک محسوب می‌شد متروک و منحصر بمورد ارت گردیده است.

امروزه دکترین و رویه قضائی اسوال منقولی را که نقل و انتقال آنها بین زندگان واقع می‌شود « ut singuli » تابع قانون درون مرزی میدانند یا بعبارت دیگر اسوال تابع قانون محل وقوع خود میباشند.

دلایل زیر صحت قاعده مذکور را ثابت میکند. برای اینکه هدف اجتماعی قوانین مربوط بمالکیت تأمین گردد. باید این قوانین جنبه عمومی داشته و بر کلیه اسوال واقعه در قلمرو خود حکومت کنند نظر باینکه قوانین سزبور بمنظور حفظ و تأمین منافع عمومی وضع میگردند اگر اسوال از این قاعده تبعیت نکنند تمام مردم از آن متضرر میگردند. عدم اعتماد و اطمینان در مورد تحصیل مالکیت و ایجاد حقوق عینی بوجود میآید نظم حقوقی اجتماعی بهم می‌خورد. قابل قبول نیست که از دو مال منقول واقعه در تهران یکی تابع قانون ترکیه و دیگری تابع قانون عراق باشد بهمین مناسبت قسمت اول ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران مقرر میدارد.

« تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول و غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع میباشند . . . » و همچنین ماده ۸ همین قانون صراحت دارد باینکه « اسوال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا میکنند از هر جهت تابع قانون ایران خواهد بود » در واقع اسوال غیر منقول جزء سرزمین یک کشور بوده و با حاکمیت ارضی آن یکی میباشند مقررات مربوط به ثبت و اعلان حقوق مربوط باسوال غیر منقول طبق قانون محل وقوع شیئی باید تنظیم گردد برای خریدار مال منقول مقدور نیست که در موقع خرید قانون دیگری غیر از قانون محل وقوع شی را برای رعایت صحت معامله خود در نظر بگیرد.

ماهیت صلاحیت قانون محل وقوع شیء

در این مورد دو نظریه ابراز شده است.

طبق نظریه اول اجرای این قانون از اجرای قوانین دیگر مناسب تر میباشد قانون محل وقوع شیء دارای صلاحیت طبیعی است این نظریه از عدم امکان اقدام عملی انجام میگیرد طرفداران این نظریه میگویند قانون طبیعی قابل اجرا نسبت باسوال مادی قانون محل وقوع شیء است و بهمین مناسبت است که قوانینی که موضوع آن اسوال میباشد درون مرزی هستند.

بموجب نظریه دوم قانون محل وقوع شیء از جمله قوانین مربوط بنظم عمومی میباشد فلذا نسبت بشتمام اسوال واقعه در قلمرو خود حکومت میکنند. برای اینکه معلوم گردد آیا اجرای قانون محل وقوع شیء بجهت این است که جزء قوانین مربوط بنظم عمومی میباشد یا بجهت دیگر باید تعریف و معنی نظم عمومی روشن شود. اگر قبول کنیم در حقوق بین الملل خصوصی قوانین مربوط بنظم عمومی عبارت از آن دسته از قوانین هستند که از اعمال یک قانون خارجی که اجرای آن ایجاد ناراحتی می کند جلوگیری مینمایند. نتیجه منطقی این طرز تفکر این است که قوانین مربوط باسوال جزء قوانین مربوط بنظم عمومی نمیشوند. وقابل اجرا و صحیح بودن قاعده « Lex rei sitae » نه از این نظر است که قوانین مربوط باسوال از جمله قوانین مربوط بنظم عمومی میباشد بلکه از این لحاظ است که تنها قانون مناسب و طبیعی قابل اجرا در این مورد میباشد. قوانین مربوط باسوال قوانین عینی هستند همچنانکه قوانین مربوط بوضعیت « tatè » و اهلیت « Capacité » قوانین شخصی میباشد. بهر تقدیر اعم از اینکه قانون محل وقوع شیء مربوط بنظم عمومی باشد یا نباشد باید بموقع اجرا گذاشته شود زیرا تنها قانونی است که عملا اجرای آن مقدور میباشد.

قلمرو قانون محل وقوع شیء

این قانون نسبت باسوال بکار برده میشود مثلا در موارد زیر اعمال میگردد :

- ۱ - تحصیل مالکیت و نحوه انتقال آن
 - ۲ - حمایت از اشخاصیکه باحسن نیت اقدام بعمل حقوقی کرده اند
 - ۳ - تصرف و استیازات
 - ۴ - ایجاد حقوق عینی
 - ۵ - تقسیم اسوال بمنقول و غیر منقول.
- بموجب قانون محل وقوع شیء حق ایجاد وآثار آن تعیین میگردد بالاخره طبق مقررات همین قانون نحوه سقوط حق معلوم میشود

حدود صلاحیت قانون محل وقوع شیء

در اجرای این قانون از هدف اجتماعی آن نباید تجاوز کرد تمام روابط حقوقی که موضوع آن مال است تابع قانون محل وقوع شیء نمیشود در موارد زیر بدون وجود نص صریحی اجرای قوانین درون مرزی ممکن نیست.

۱ - اهلیت شخص جهت انعقاد عقد بیکه موضوع آن مال غیر منقول است

تشخیص اهلیت برای انعقاد قرارداد جزء قوانین شخصی بوده و طبق قانون سلی اشخاص بعمل سیاید فرض کنیه قانون محل وقوع شیء تحصیل یا اعمال حقی را منوط بداشتن اهلیت بکنند در اینصورت برای تشخیص اهلیت کسی که سیخواهد این حق را تحصیل یا اعمال کند باید بقانون سلی وی سراجعه نمود پس از احراز اهلیت این شخص میتواند اقدام بنماید پس قانون محل وقوع شیء نسبت به تشخیص اهلیت فاقد صلاحیت است. چنانچه صغیری از اتباع خارجه بخواهد مال غیر منقول را بفروشد. برای تعیین صحت معامله وی از نظر اینکه از ایشان بعلت رسیدن بسن سعینی رفع حجر شده یا یا نشده است باید بقانون سلی صغیر سراجعه نمود (سن کبر در سمالکک مختلف است.)

۲ - شکل تنظیم سند

اگر مال غیر منقول واقع در یک کشوری در خارجه از آن کشور سورد معامله قرار گیرد اسناد مربوطه باین عمل حقوقی طبق قانون محل وقوع عقد تنظیم سیگردد زیرا اسناد از حیث تنظیم سند تابع قانون محل وقوع عقد سیباشند این اصل را قانون مدنی ایران در ماده ۹۶۹ بشرح زیر بیان میکند « اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود سیباشند.

۳ - فقد قانون محلی

کشورهائی که تمدن پست تری دارند دارای قوانین متناسب باوضع جامعه خودشان سیباشند این قوانین روابط حقوقی اتباع سمالکک پیش رفته را نمیتواند تنظیم کند بهمین جهت در این قبیل سمالکک مثلا در مستعمرات برای اجرای قانون محل وقوع شیء موقع و عنوانی باقی نیست. همچنین سرزمین هائی که تابع دولتی نمیباشند بعلت فقد قانون محل وقوع شیء اجرای آن منتفی است.

حقوق سکتسبه

در حقوق بین المللی خصوصی رعایت حقوق سکتسبه اصل بوده و عدم رعایت آن استثناء سیباشد. این اصل در باره اسوائی که قابلیت تغییر مکان از کشوری بکشور دیگر را دارند اعمال سیشود. اگر کسی نسبت بمال منقولی حقی برطبق قوانین درون سرزی کسب کند تغییر مکان مال سزبور بکشور دیگر در وضعیت حق اکتسابی سابق مادام که حقی مخالف آن ایجاد نگردد تغییری نسی دهد. و حق سابق معتبر خواهد بود. و بهمین مناسبت قسمت آخر ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران مقرر میدارد «... سعدالکک حمل ونقل شدن منقول از کشوری بکشور دیگر نمیتواند بهحقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیء نسبت بان تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد». اصولا حق اکتسابی در تمام سمالکک محترم شمرده سیشود ولی سواردی پیش سیاید که اجرای این اصل در یک سملکت بعلت مخالفت با نظم عمومی بمعنی وسیع کلمه غیر مقدور سیگردد ذیلا چند سورد شرح داده سیشود.

۱ - اگر برای حمایت و اعمال حق اکتسابی در یک کشور تاسیسات حقوقی وقضائیه لازمه وجود نداشته باشد حمایت ازحق سزبور ممکن نخواهد بود. مثلا اگر مال منقولی

در خارج از فرانسه مورد رهن واقع گردد بدون اینکه عین مرهونه بتصرف مرتهن داده شود (بعضی از قوانین رهن بدون تصرف را اجازه داده‌اند) حال اگر عین مرهونه را بفرانسه نقل مکان دهند عقد رهن خود بخود فک می‌گردد یعنی مرتهن حق رهنانت خود را از دست میدهد زیرا در سیستم حقوقی فرانسه عین مرهونه باید در تصرف مرتهن باشد و بدون این شرط عقد رهن واقع نمیشود مرتهن برای استفاده از حق رهنانت باید طبق مقررات فرانسه عین مرهونه را بتصرف خود درآورد.

۲ - حقوق بکسبه بر حسب قوانین استثنائی نظم سیاسی

گاهی اتفاق می‌افتد که در ضمن کشمکشهای سیاسی اسوال تبعه دولت متخاصم از طرف دولت متخاصم دیگر ضبط میگردد. اگر همین اسوال را به مملکت ثالثی به برند در این کشور اخیر اقدامات فوق قانونی تلقی نمیشود این امر ناشی از این اصل است که در حقوق بین الملل خصوصی حقوق ناشی از « Les lois d'ordre politique » را جزء حقوق بکسبه محسوب نمی‌کنند دولت ثالث نمیتواند باشناسائی این حقوق وارد کشمکش سیاسی بشود.

۳ - حق اکتسابی بموجب اقدامات استثنائی جنگی

در طی جنگهای اول و دوم جهانی اسوال خصوصی اتباع دولت متخاصم واقعه در حوزه اقتدار دولت متخاصم دیگر تحت عنوان اقدامات جنگی ضبط گردید. این اقدامات تأثیر بین المللی ندارد و در صورتیکه اسوال مزبور به شخص ثالثی منتقل گردد برای منتقل الیه نسبت بآنها حتی ایجاد نمیکردد در مملکت ثالث این اقدامات ارزش قانونی نخواهد داشت. فقط متحدین این دولت اقدامات متحد خود را درباره اتباع دولت متخاصم مشترک قانونی تلقی میکنند. اسوال ضبط شده را اگر بمملکتی که چگونه تعهدی ندارد ببرند مالکین سابق آنها مالک شناخته میشوند رویه قضائی این مطلب را تأیید میکند.

اموالی که تابع رژیم خاص میباشد

بعضی از اسوال منقول بسبب اینکه قابلیت تغییر مکان فوق العاده‌ای دارند دارای رژیم خاصی میباشد صفت مشخصه و سیمزه این اسوال این است که غالباً در حال تغییر مکان هستند معمولاً این قبیل اسوال را بدو دسته تقسیم میکنند.

۱ - کشتی‌ها و هواپیماها

۲ - معمولاتی که در حال ترانزیت هستند.

۱ - کشتی‌ها و هواپیماها

قانون صلاحیتدار - قانون پرچم

کشتی‌ها - اگر صلاحیت اجرای قانون محل وقوع شیء را در مورد کشتی‌ها نیز قبول کنیم نتیجه میشود که کشتی‌ها در ظرف یک هفته و حتی در مدت یکروز باید تابع قوانین مختلف گردند زیرا قانون قابل اجرا در ضمن عبور کشتی از یک کشور بکشور دیگر تغییر می‌کند و رژیم مالکیت متناسب با این تغییرات سریع نمیشود بهمین جهت علمای حقوق عقیده دارند که قانون محلی نباید بر کشتی‌ها حکومت کند و این اسوال مانند اشخاص باید

تابع قانون ملی واحدی باشند و بطور دائم از این قانون تبعیت بکنند و اگر چنین نباشد تحصیل مالکیت ایجاد حقوق عینی از قبیل رهن، دچار اشکالاتی خواهد بود. در تمام ممالک رژیم کشتی‌ها از سایر اسواول منقول جدا است نقل و انتقال کشتی‌ها ایجاد حقوق در آنها مثل نقل و انتقال اسواول غیر منقول ثبت میگردد. و از این جهت کشتی‌ها با اسواول غیر منقول شباهت دارند عملاً کشتی‌ها از قوانین بندریکه در آنجا به ثبت رسیده‌اند تبعیت میکنند و با داشتن و افراشتن پرچم همان بندر تبعیت خود را از آن بندر اعلام مینمایند بنابراین قانون صلاحیت‌داریکه کشتی تابع آن میباشد قانون کشوری است که دارای پرچم آن میباشد بستگی کشتی باین بندر وضع حقوقی آنرا مشخص میکند و این امر ایجاد اعتماد در اعمال حقوقی مینماید مثلاً کشتی‌هاییکه پرچم فرانسه را دارند در هر محلی که باشد تابع قانون فرانسه خواهد بود و همچنین کشتی‌هایی که پرچم دول بیگانه را داشته و در آبهای فرانسه باشند مطیع قانون پرچم خود خواهند بود کسانیکه در مورد کشتی‌ها قراردادی منعقد میکنند تکلیفشان روشن است و باید بقانون پرچم کشتی مورد قرارداد مراجعه و طبق آن عمل کنند.

هواپیما - از نظر تحصیل مالکیت و ایجاد حقوق عینی هواپیماها شبیه کشتی‌ها هستند و مقررات آنها یکی میباشد طبق مواد ۱ تا ۱۰ قرارداد بین‌المللی اول مه سال ۱۹۲۰ و قانون ۳ مه سال ۱۹۲۴ فرانسه هواپیماها باید دارای پرچم کشوریکه در آن به ثبت رسیده‌اند باشند.

۲ - محمولات Choses in transitu

محمولات اشیاء منقولی هستند که دارای شخصیتی نظیر شخصیت کشتی‌ها و هواپیماها نمیشوند ولی مثل آنها از مبدأ تا مقصد حرکت از حاکمیت‌های مختلف می‌گذرند مثلاً مالی از سبده فرانسه تا مقصد اتا زونی ممکن است از ممالک بلژیک، انگلیس، کانادا بگذرد محمولات در ظرف مدتی که در راه هستند تابع قانون محل وقوع خود نبوده و مطیع قانون مقصد میباشند.